

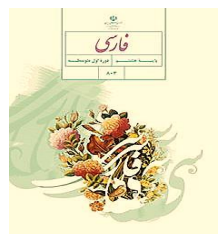
قالب شعر: مثنوی

لحن: لحن روایی

شعر این درس، به شیوه داستانی خوانده می شود. خواندن این گونه متن ها معمولاً با آهنگ نرم و کشش آوایی همراه است. بنابراین لحن خواننده آن باید به گونه ای باشد که میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامه آن برانگیزاند و شوقی همراه با انتظار در ذهن و روح پدید آورد.

**موضوع:** سراینده با استفاده از روش (فن) مناظره به بیان نکته های اخلاقی می پردازد. او معتقد است که آزادگی یعنی؛ زیر بار منت دیگران نرفتن، بالاترین نعمت الهی برای بندگان است. به همین منظور، دو شخصیت داستان؛ پیر خارکش و جوان را در فضا، مکان و زمانی نامعلوم به گفت و گو در می آورد و در نهایت پیر خارکش بر جوان برتری می یابد. شعر آزادگی، در قالب مثنوی است و به روایت حکایتی کوتاه می پردازد. پس بنا به نوع شخصیت و سخن او باید با حالتی پندآمیز، نقل قول یا غرور و تحقیر خوانده شود.

**مناظره:** در ادبیات، شعر یا نثری است که در آن دو چیز یا دو کس در مقابل هم قرار می گیرند و بر سر موضوعی با هم بحث و گفت و گو می کنند؛ البته گفت و گوی آن ها دوستانه نیست. معمولاً کسی (چیزی) که در ظاهر قوی تر است، به کسی (چیزی) که در ظاهر ضعیف تر است طعنه و گوشه و کنایه می زند و شخص به ظاهر ضعیف جواب دندان شکنی به شخص به ظاهر قوی می دهد و پیروز مناظره می شود.



## ۱- خارکش پیری بادلق درشت / پشته‌ای خارهمی برد به پشته

**واژه‌های مهم:** دلق درشت: لباس پشمی خشن و فقیرانه / پشته: توده، کوله‌بار / همی‌برد: در گذشته به جای «می‌برد» به کار می‌رفته است. (=ماضی استمراری).

**نکته‌های ادبی:** خارکش، پشته خار: مراعات نظیر / واج‌آرایی: «ش».

**دانش زبانی:** پیر، صفتی است که جانشین موصوف شده؛ یعنی انسان پیری که خارکش است و ترکیب خارکش پیری یک ترکیب وصفی مقلوب است / دلق درشت: ترکیب وصفی.

**معنی بیت:** پیرمرد خارکشی که لباس پشمی کهنه‌ای پوشیده بود، توده‌ای خار را روی پشتش حمل می‌کرد.

## ۲- لنگ لنگان قدمی برمی‌داشت / هر قدم دانه شکر می‌کاشت

**واژه‌های مهم:** لنگ لنگان: آهسته آهسته.

**نکته‌های ادبی:** دانه شکر: اضافه تشبیهی (ترکیب اضافی است که در آن «شکر» به «دانه» تشبیه شده) / بین واژه‌های لنگ لنگان، قدم و برمی‌داشت آرایه مراعات نظیر وجود دارد و همچنین بین دانه و کاشتن.

**دانش زبانی:** قدمی و دانه: هر دو نقش مفعول دارند / لنگ لنگان: قید حالت.

**معنی بیت:** پیرمرد خارکش، آهسته آهسته راه می‌رفت و هر قدمی که برمی‌داشت خدا را شکر می‌کرد.

## ۳- کای فرازنده این چرخ بلند / وای نوازنده دل‌های نژد

**واژه‌های مهم:** کای: مخفف «که ای» / فرازنده: آفریننده، بلند کننده، بر پا دارنده / چرخ بلند: آسمان / نوازنده: محبت کننده، مهربان، نوازشگر / دل‌های نژد: انسان‌های غمگین.

**نکته‌های ادبی:** واج‌آرایی حرف (ن) / منظور از چرخ بلند، آسمان است.

**دانش زبانی:** چرخ بلند: ترکیب وصفی / دل‌های نژد: ترکیب وصفی / فرازنده و نوازنده: صفت فاعلی (منظور خداوند).

**معنی بیت:** پیرمرد با خود می‌گفت: ای خدایی که آسمان را برافراشته‌ای (ای آفریننده این آسمان) با عظمت و ای مهربانی کننده به انسان‌های غمگین...

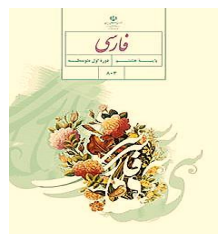
\*این بیت با بیت بعد موقوف‌المعانی (وابسته معنا) است؛ یعنی باید با هم معنا شوند تا معنی کامل شود.

## ۴- کنم از جیب نظر تا دامن / چه عزیز می‌که نکردی با من

**واژه‌های مهم:** جیب: یقه، در اینجا بالا / دامن: پایین لباس، در اینجا پایین / عزیز: عزت، گرامی / نظر: نگاه / جیب تا دامن: منظور تمام وجود / «جیب»، «دامن»، «من»: هر سه متمم هستند.

**نکته ادبی:** جیب و دامن نظیر.

**معنی بیت:** از سر تا پای خودم را که نگاه می‌کنم، می‌بینم که چقدر به من عزت و سربلندی داده‌ای.



## ۵- در دولت به رخم بکشادی / تاج عزت به سرم بنهادی

**واژه‌های مهم:** دولت: اقبال و بخت / رخ: چهره / عزت: سربلندی / رخ، سر: هر دو متمم هستند.  
**نکته‌های ادبی:** در دولت گشودن: کنایه از به خوشبختی رسیدن / تاج عزت: اضافه تشبیهی (ترکیب اضافی است که در آن، عزت به تاج تشبیه شده) / تاج و سر: مراعات نظیر / رخ و سر: مراعات نظیر.  
**معنی بیت:** در خوشبختی را به روی من باز کرده‌ای (مرا خوشبخت کرده‌ای) و تاجی از عزت بر سرم گذاشته‌ای (به من عزت و سربلندی داده‌ای).

## ۶- حد من نیست ثنایت کستن / گوهر شکر عطایت سفتن



**واژه‌های مهم:** ثنا: ستایش کردن / عطا: بخشش / سفتن: سوراخ کردن.  
**نکته‌های ادبی:** گوهر شکر عطایت سفتن: کنایه از سپاسگزاری / گوهر شکر: اضافه تشبیهی (ترکیب اضافی است که در آن، «شکر» به «گوهر» تشبیه شده است).  
**دانش زبانی:** بیت دو قافیه دارد: ثنایت با عطایت و گفتن با سفتن هم‌قافیه هستند.  
**معنی بیت:** من در حد و اندازه‌ای نیستم که تو را ستایش کنم و نمی‌توانم تو را شکر بگویم؛ زیرا توانایی ستایش و شکر همه بخشش‌های تو را ندارم.

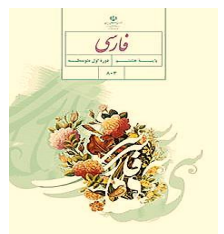
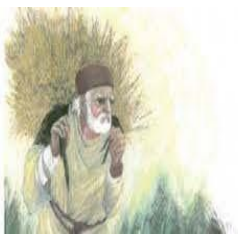
## ۷- نوجوانی به جوانی مغرور / رخس پندار همی راندز دور

**واژه‌های مهم:** رخس: اسم اسب رستم در اینجا اسب / پندار: فکر و خیال / جوانی، دور: هر دو متمم هستند.  
**نکته‌های ادبی:** نوجوانی و جوانی: مراعات نظیر / رخس پندار: اضافه تشبیهی (ترکیب اضافی است که در آن، خیال و پندار به اسب تشبیه شده است).  
**دانش زبانی:** همی راند: می‌راند، ماضی استمراری (ویژگی سبکی).

**معنی بیت:** نوجوانی که به جوانی خود مغرور و فریفته بود؛ سوار بر اسب خیال باطل بود و پیش می‌راند.

## ۸- آمد آن شکرگزاریش به کوش / گفت کای پیر خرف گشته، خموش

**واژه‌های مهم:** خرف: کم عقل / خموش: ساکت شو.  
**نکته ادبی:** واج‌آرایی: «ش».  
**دانش زبانی:** پیر خرف گشته: ترکیب وصفی / شکرگزاریش: شکر گزاری او (یک ترکیب اضافی است و «ش» مضاف‌الیه است). / خموش: مخفف «خاموش»



**معنی بیت:** نوجوان، صدای شکرگزاری پیرمرد را که شنید، رو به پیرمرد کرد و گفت: «ای پیرمرد کم عقل، ساکت شو».

## ۹- خار بر پشت، زنی زین سان گام دولت چیست؟ عزیزیت کدام؟

**واژه‌های مهم:** زنی... گام: راه می‌روی / زین سان: این طوری (با حالت تحقیر) / دولت: به معنای خوشبختی که امروزه به معنای هیئت اداره کننده کشور است.

**معنی بیت:** تو که این گونه (لنگان لنگان) قدم برمی‌داری و خار حمل می‌کنی، بخت و اقبال تو چیست؟ عزت تو کدام است؟ یعنی تو اقبال (خوشبختی) و عزتی نداری.

## ۱۰- عزت از خواری نشاخته‌ای / عمر در خارکشی باخته‌ای

**واژه‌های مهم:** عزت: سربلندی / خواری: پستی، سبکی، ذلیل بودن / باخته‌ای: از دست داده‌ای.

**نکته‌های ادبی:** عزت و خواری: تضاد / عمر در کاری باختن: کنایه از عمر را هدر دادن برای کاری.

**دانش زبانی:** عزت و عمر: مفعول / خواری: متمم / خارکشی: متمم.

**معنی بیت:** تو فرق سربلندی و خواری را نفهمیده‌ای و عمرت را در راه خارکشی (حمل کردن خارها) هدر داده‌ای.

## ۱۱- پیر گفتا که چه عزت زین بر؟ / که نی ام برد تو بالین نه

**واژه‌های مهم:** گفتا: به او پاسخ داد / زین: از این / به: بهتر است / نی ام: نیستم / بالین: بستر، رختخواب.

**نکته ادبی:** بالین نه: کنایه از نیازمند و محتاج.

**معنی بیت:** پیرمرد پاسخ داد: «چه عزتی از این بالاتر که بر در خانه تو گدایی نمی‌کنم.» (به تو نیازمند نیستم).

## ۱۲- کای فلان چاشت بده یا شامم / نان و آبی که خورم و آشامم

**واژه‌های مهم:** فلان: فلانی، برای اشاره به شخص غیر معلوم استفاده می‌شود. / چاشت: یک قسمت از چهار قسمت روز که در آن چیزی بخورند، میان وعده صبح، در اینجا صبحانه.

**نکته‌های ادبی:** چاشت و شام: مراعات نظیر / نان و آب: منظور خوراک / نان و آب: مراعات نظیر / خوردن و آشامیدن: مراعات نظیر.

**دانش زبانی:** فلان: فلان / منادا / بده: فعل امر / «م» در شامم: (شام را به من بده) متمم است / خورم: بخورم (مضارع التزامی) /

آشامم: بیاشامم (مضارع التزامی) / چاشت، شام، نان، آب: همگی مفعول هستند.

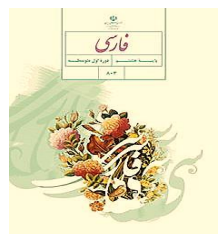
**معنی بیت:** [نمی‌گوییم] که فلانی به من صبحانه یا شام بده و نانی بده که بخورم یا آبی بده تا بیاشامم.

## ۱۳- شکر گویم که مرا خوار ساخت / به خسی چون تو گرفتار ساخت



## فارسی هشتم (درس هشتم) **بیران ادبیات فارسی شهرستان دلفان**

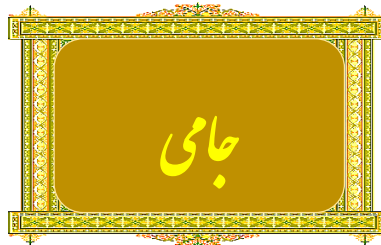
دکتر احمد کنجوری، زهرا کوشکی، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی منتی و زیبا کاظمی



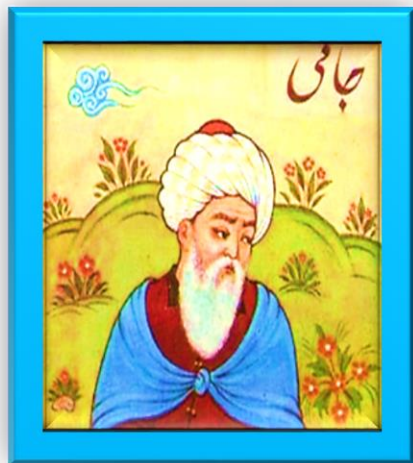
**واژه‌های مهم:** خَس: خاشاک، انسان پست / نساخت: نکرد / خوار: ذلیل.  
**نکته‌های ادبی:** خَسی چون تو: تشبیه دارد (نوجوان به خَس و خاشاک تشبیه شده).  
**معنی بیت:** خدا را شکر می‌گویم که مرا خوار و ذلیل نکرد و به انسان پستی مثل تو گرفتار نکرد (مرا به آدم پستی مثل تو نیازمند نکرد).

## ۱۴- **داو با این همه افتادگی ام** / **عز آزادی و آزادگی ام**

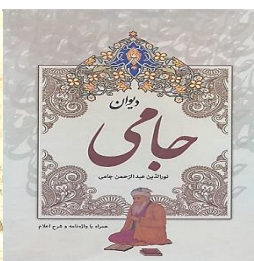
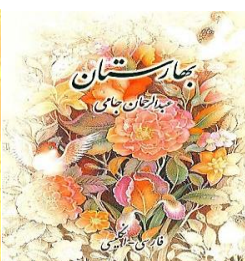
**واژه‌های مهم:** افتادگی: تواضع و فروتنی در اینجا به معنای ناتوانی جسمی و بیچارگی است / عز: عزت، سربلندی.  
**معنی بیت:** [خداوند را شکر می‌گویم که] با این همه ناتوانی جسمی و بیچارگی که دارم، به من عزت آزادی و بی‌نیازی بخشیده است.

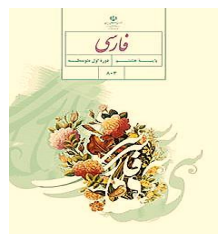


**جامی:** نورالدین عبدالرحمن: بزرگ‌ترین شاعر و نویسنده عارف قرن نهم هجری قمری و اهل خراسان است. وی در شهرهای هرات و سمرقند به کسب علم و ادب پرداخت و در علوم ادبی، دینی و تاریخی به کمال رسید. پس از آن به عرفان روی آورد و از عارفان بزرگ گردید. وی به مناسبت محل تولد خویش (جام) و نیز به سبب دوستداری شیخ الاسلام احمد جام، «**جامی**» تخلص می‌کرد. جامی در آثار خود از دو شاعر بزرگ و نامی پیروی کرده است: کتاب بهارستان را به پیروی از سبک نگارش گلستان سعدی به نظم و نثر نوشته است. کتاب هفت اورنگ را - که شامل هفت مثنوی است - به تقلید از پنج گنج حکیم نظامی، در قالب مثنوی سروده است.

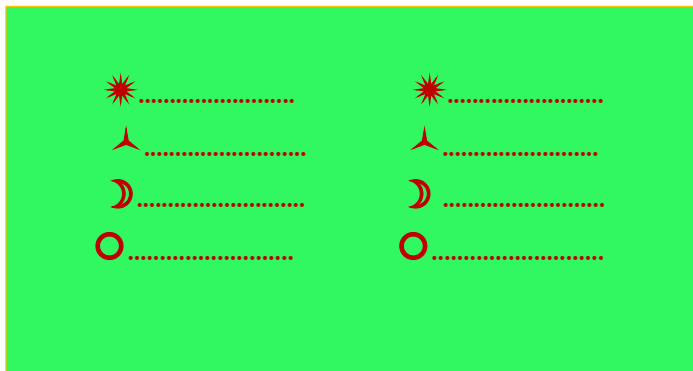


دیگر آثار جامی عبارتند از: دیوان اشعار و کتاب نَفحات الانس (به نثر) که دربارهٔ حالات و وقایع زندگی عارفان بزرگ نوشته شده است.





## دانش ادبی



به قافیه‌های شعر «آزادگی» توجه کنید. با اندکی دقت، متوجه می‌شویم که قافیه‌های هر بیت با بیت دیگر متفاوت است.

به این قالب شعری، «مثنوی» یا «دوتایی» می‌گویند؛ چون در هر بیت، هر دو مصراع، هم قافیه هستند. مثنوی، معمولاً بلند و طولانی است و بیشتر برای بیان داستان‌ها از آن بهره می‌گیرند. از مهم‌ترین مثنوی‌های فارسی، می‌توان «شاهنامه فردوسی»، «بوستان سعدی»، «مثنوی مولوی» و «لیلی و مجنون نظامی» را نام برد.

\*\*\*

**نکته:** برخی کلمات به دو شکل به کار می‌روند؛ نظیر: «خِرف، خَرِف» یا «خُورش، خُورشت».  
\*هنگام نوشتن املا لازم است به نحوه تلفظ گوینده این گونه کلمات توجه کافی داشته باشیم.